وازدیاد هدایه مستفیدان باظهار آن حضرت مامور گشته تا چنانچه اهل ظاهر بدیده فکرت جلوات جمال علوم صوری قرآن می بینند سالکان طریق باطن
نیز باهر و بصیرت بطالعه شواهد حسن بیزوال معنویات آن بکشایند اگر کسی خود علم ظاهر و باطن با یکدیگر جمع کرد و چشمه منور
نور علی نور در سویدای سرّ او ظاهر خواهد نمود خواجه پارسا در مقدمه شرح ثانیه فارضیه میفرماید که نکات و درجات در جمع میان علم ظاهر و باطن است
هر مومنی باید که از مشارب و اذواق اولیای حق سبحانه و تعالی بی چاشنی نباشد که آن ذوق حقیقی سبب بقای ایمانست و حقیقت ایمان
بالغیب ذوق عالم غیب بحسب فطرت سلیمه و نور عنایت فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى ذوق اشارت ایشان داده و ذوق
متابعان ایشان را که اولیا اند جز بقوت ذوقیه باطن که ایمان بالغیب اشارت بدان حقیقت در شوان یافت و فهم ظاهر این حقیقت از حقیقت
فهم آن دور است اگرچه هر شخصی در فهم این سخنان نوع خیالی بندد اما تحصیل حقیقت آن فهم موقوف بر مقدمات و شرطهاست ب
چون ندیدی شبی سلیمان را: تو چه دانی زبان مرغان را: وجهت جامعیت این ترجمه و بعضی ابیات از آنچه نقد وقت مردان راه بوده بر سبیل نقل
وسه کلمه بوده می آید خبر بطریق ترجمان در ایراد آن شروع میرود ب صورتی بشنیده گشته ترجمان: بیخبر از گفت خود چون طوطیان:
گفت را آموخته زان مرد هنر: لیک از معنی و سرّش بیخبر: بانگ هدهد گر بیاموزد فتی: راز هدهد کو و پیغام صبا: با این همه شنودن
و گفتن سخنان این طایفه برکات بسیار دارد و اگر کسی حریف مجلس آن سرمستان باهوش نعره زنان خاموش شوانند شد باری کم
از نظاره و حال تماشای جمال ایشان خود پسند نباید بود ب دانم که ترا قوت می خوردن نیست: باری بتماشاگر مستان آی: از حضرت
شیخ شهید مجد الدین بغدادی قدس الله روحه منقولست که در دعا میفرمود الهی تو کار تو بعنایت مرا ازین قوم گردان یا از نظارگیان
این قوم که قسمی دیگر طاقت ب گر نیم مرد آن راه ای هیچ کس: ذکر ایشان کرده ام ایشان نیم بس: گر نیم زیشان از ایشان گفته ام: خوش دلم
کین قصه از جان گفته ام: گر نداری از شکر جز نام بهر: ای بسی بهتر که اندر کام زهر: ای خداوند آن گلشنم وادی نشان: دست گیر و سوی آن
گلشن کشان رَبِّ هَبْ لِي مُلْكًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَ
عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وبعد ما که ذکر اصول و عنوانات که زبان قلم به ثبت آن وعده داده بود فراغتی روی نمود عطف عنان عزم بجانب
مقصود نسبت وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى و چون سوره فاتحة الکتاب دیباچه خطابات رب الارباب است اگر در باب تفسیر
آن بر بسط بساط اطناب جرأت و جسارتی رود مکارم اخلاق کارم آفاق بقبول عذر ممنون خواهند ساخت مِنَ الْكِرَامِ قَبُولُ
الْعُذْرِ مَأْمُولٌ ع بر بیان کار ما دشوار نیست وَالْاِعْتِمَادُ عَلَى الْكَرِيمِ الْكَبِيرِ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَالْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ بدانکه علمای ربانی قبل از تفسیر آیات قرآنی به بیان معانی استعاذه و نکات و اشارات آن شروع نموده اند بعد از آن در تفسیر
بسمله و شرح دقایق آن و حقایق آن خوض نموده و ابن عباس رض مرویست که اجلال القرآن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و مفتاح القرآن
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بزرگ داشتن قرآن استعاذه کردنست و کلید آن بزرگ قرائت بسمله اشتغال نمودن یکی از اکابر فرموده که طبیعه
ادب و طریقه حرمت اقتضای آن میکند که اول بجاروب استعاذه ساحت قلب و شارع لسان را از خاشاک وساوس نفس و هواجس شیطان پاک سازند تا جلال
سلطان بسم الله بر منظر اول چهره نما شود و همانا که بدین صورت نفی و اثباتی که کلمه طیبه لا اله الا الله بران اشتمال دارد بر عیان رو نشیند

چه اگر تا بصیقل لا رنگ ها سوی زاویه سینه زدوده نگردد انوار جمال لایزال لا اله الا الله در او منعکس نشود در این جا نیز تا مرآت دل از غبار ریب
شیطان بصیقل استعاذه تصفیه نیابد صورت زیبای بسمله از و روشن ننماید ب صیقلی از صیقلی بیزن: تا شد آیینات شود روشن: هر چه
فانی از و زدوده شود: و آنچه باقی از و نموده شود: اقتفاء آثار ائمه دین و اتباع اطوار اهل یقین افتتاح این ترجمه بمباحث استعاذه مناسب
نمود و التَّوْفِيقُ مِنَ اللهِ الْوَدُودِ الْقَوْلُ فِي الْاِسْتِعَاذَةِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهِمَا بدان ایدک الله العلیم که فتح ابواب تلاوت کتاب کریم بمفتاح استعاذه
از وساوس شیطان رجیم خواه در وقت ادای نماز و خواه در زمان عرض نیاز از جمله آدابست و امر باستعاذه قبل از قرائت بر قول جمهور امر استحباب
و باختیار جمعی از کبرای دین بر سبیل ایجاب در تفسیر قرطبی رحمة الله علیه آورده که قولی آنست که استعاذه بر حضرت رسول صلعم فرض بوده و امت شما را
اقرار کرده و دران بر سبیل سنت بهر حال در نماز اگر پست و بلند یا بلند خوانند اخفای استعاذه شرط است و در بیرون نماز وجه گفته اند بعضی نظر
بر استیار آیات قرآن از غیر آن با خفا حکم میکنند و جمعی بملاحظه آنکه استعاذه اشعار قرائت است و اظهار آن سبب ظهور شعار قرآن
خواهد بود بجهر میفرماید و طایفه اساس محاکمه افکنده اگر تنها خوانند اخفا اولی و اگر کسی مستمع باشد جهت تنبیه و تا استماع قرائت را
مهیا گردد جهر را انسب شمرند بر هر تقدیر در آخر استعاذه وقف مطلق متورش و مطمح نظر همان که آیات قرآن متمیز گردد از غیر آن
و بهمین سبب اجماع علما بر ترک اثبات استعاذه در مصاحف واقع است و از جمله چهارده روایت مشهور که از صحابه کرام و ائمه انام در الفاظ
استعاذه وارد شده اختیار اکثر از قدما شغفویه آنست که أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در احیاء علوم بهمین نوع
مذکور است و مستدل ایشان حدیث سید نزول وحی است که دران لفظ السمیع العلیم هست این حدیث عنقریب در سلسله ذکر
انتظام خواهد یافت نزد بعضی از صحابه مختار آنست که أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و گویا از مدلول آیه
استعاذه یا مضمون کریمه فَاسْتَعِذْ بِاللهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ چنین فهم کرده اند که بافحوای آن سمیع علیم باید و نزد محققان این طایفه
اختصاص همین سمیع علیم بذکر در میان استعاذه یا مقارن بدان تنبیه است بر آنکه خداوند تعالی تقدس که شنواست بدعوت وسوسه آمیز
شیطان و دانا بغرض و مقصود او از آن یا شنونده نیاز بنده است و در وقت استعاذه و داننده نیت مستعیذ و خلوص و یکی دیگر بنده
از ظلمات فریب شیطان و همین البیات امن و امان شوانند رسید و غالب مذهبان میان این کلمات دارند که أَعُوذُ بِاللهِ الْعَظِيمِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و این روایت از بعض مسندین و بسیاری از صحابه سید الثقلین صلوات الله علیه به ثبوت رسیده و لفظ عظیم در اثنای
استعاذه ایمای مینماید چنانچه بنده ضعیف را از بجایت عظمت الهی دفع چنان دشمنی قوی میسر نشود و مؤید این نکته آنست که در تفسیر
ینابیع از امیر المؤمنین ع معنی استعاذه برین وجه نقل میفرماید که پناه میگیرم از شر دیوی که از انسان قوی تر است بخداوندی که از وی قویتر است
و خواجه قسره در تفسیر خود آورده که مختار از همه قراءات آنست که أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بی دخل کلمه دیگر و یا انضمام چیزی بدو و ائمه حنفی و شافعی
شغفوی برین رفته اند والحق طبع سلیم و ذهن مستقیم بر آنکه نظم این کلمات بافحوای آیه استعاذه فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ
بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ موافق افتاده شهادت صحت او میرسانند و از هست که ارباب تفسیر متعرض تحقیق همین کلمات شده اند و روایات
دیگر را متعرض نموده شمه از روایح ریاحین اقوال ایشان که صفحات گلشن بیان از نفحات آن معطرست جهت تطییب مشام مشتاقان

Copyright © King Saud University